



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۱۵/ مهر/ ۱۳۹۷

موضوع جزئی: ضد - بررسی ثمره عملی - تفاوت تقریب محقق خراسانی و مصادف با: ۲۷ محرم ۱۴۴۰

محقق نایینی از پاسخ دوم به شیخ بهایی

جلسه: ۸

سال دهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تفاوت تقریب محقق خراسانی و محقق نایینی از پاسخ دوم به شیخ بهایی

قبل از بحث از مسئله ترتب، به مطلبی که وعده داده بودیم رسیدگی می‌کنیم و سپس سراغ مسئله ترتب می‌رویم. عرض کردیم بین تقریر محقق خراسانی و محقق نایینی از پاسخ دومی که به شیخ بهایی داده شد تفاوت است. مکرراً اشکال شیخ بهایی نسبت به ثمره عملیه بحث ضد را بیان کردیم. شیخ بهایی معتقد است چه قائل به اقتضاء شویم و چه قائل به عدم اقتضاء، علی کلا القولین نماز مزاحم با ازاله نجاست از مسجد باطل است. برخی از بزرگان مثل محقق کرکی، کاشف الغطاء و محقق خراسانی به شیخ بهایی پاسخی دادند که این پاسخ به دو نحو تقریر شده است.

تقریب محقق خراسانی

تقریب محقق خراسانی: محصل تقریب محقق خراسانی این است که فرد مزاحم با واجب اهم، یعنی نماز مزاحم با ازاله به سبب این مزاحمت دیگر مصداق مأموریه بما هو مأموریه نیست. زیرا امر به نمازی تعلق گرفته است که مزاحم با واجب اهم نباشد. وقتی پای واجب اهم به میان می‌آید این نماز دیگر مأموریه نیست. پس در این صورت اگر مکلف نماز بخواند، در حالی که وظیفه او ازاله نجاست از مسجد بوده، مصداق مأمور به محسوب نمی‌شود. زیرا نماز او امری ندارد و به خاطر مزاحمت با ازاله نجاست از مسجد امر مرتفع شده است، ولی نمازی که خوانده شده، مصداق طبیعت است. بالاخره نمازی که مکلف خوانده مصداق طبیعت الصلوة محسوب می‌شود و به همین جهت از دید عقل محصل غرض مولی است. یعنی عقل فرقی بین این نماز در حالی که امری به آن تعلق نگرفته و نماز در حالی که امر به آن تعلق گرفته است نمی‌بیند. بالاخره امر به امتثال طبیعت الصلوة با این عمل ساقط می‌شود. کانه محقق خراسانی می‌خواهد بگوید: امر به خصوص این فرد مزاحم کنار رفته ولی امر به طبیعت نماز از بین نرفته است و این عمل مصداق آن طبیعت است. پس وقتی مکلف این نماز را می‌خواند از نظر عقل امتثال امر به طبیعت نماز صورت گرفته است و با این عمل آن امر ساقط می‌شود.

سوال:

استاد: منظور کلی طبیعت صلوة نیست. فرض این است که طبیعت نماز از امروز ظهر تا امشب امر دارد و افراد بسیاری برای این امر می‌توان تصویر کرد. حال مکلف یک فرد را اتیان کرده است. مشکل این فرد چیست؟ این که الان مزاحم با واجب اهم است. شیخ

بهایمی می گویند: این عمل نیز باطل است ولی محقق خراسانی می گویند: این عمل صحیح است، هرچند مصداق مأمور به نیست و با وجود فرد مهم دیگر این فرد مهم امر ندارد. زیرا اصل اشکال این است که نماز مزاحم با ازاله امر ندارد، پس نماز باطل است، زیرا امر به اهم در این جا وجود دارد و با وجود امر به اهم، امر به مهم کنار می رود.

محقق خراسانی می فرماید: درست است این نمازی که مکلف خوانده مصداق برای امر به این نماز نیست و این فرد به خصوصه مأمور به نیست، اما مصداق برای طبیعت نمازی که از او خواسته شده می باشد. لذا عقل می گوید: به اعتبار این که مصداقی از آن طبیعت است، این همان چیزی است که شارع خواسته و مکلف امر به طبیعت نماز را اتیان کرده پس آن امر دیگر از گردن او ساقط شده است و این همان معنای صحت است. البته در مخالفت با امر به اهم، گناه کرده ولی آن عمل مکلف در اتیان به واجب مهم صحیح است.

تقریب محقق نایینی

شکی نداریم نمازی که مکلف در فرض لزوم ازاله نجاست از مسجد خوانده مأمور به نیست. یعنی این فرد از نماز به خاطر مزاحمتی که با ازاله به عنوان واجب اهم دارد، لا یكون مأمور به چون اساساً مقدور مکلف نیست؛ ولی چون به طور کلی امر به صرف وجود طبیعت متعلق شده است نه بخصوص افراد، کأنه از نظر عقل انسان مخیر است بین اتیان به افراد مختلف. عقل می گوید: خدا از تو طبیعت نماز را خواسته، بعضی از افراد این طبیعت مقدور مکلف نیستند و بعضی نیز مقدور می باشند. آن فردی از طبیعت که مزاحم با زاله است مقدور مکلف نیست و خارج از قدرت شرعی انسان است (نه قدرت عقلی) وقتی شارع به مکلف امر می کند به واجب اهم اتیان کنید، معنایش این است که واجب مهم دیگر مقدور نیست. اگر مقدور نبود دیگر مأمور به نیز نیست، اما بقیه افراد که مقدور مکلف می باشند. پس این نماز به خاطر مزاحمت با واجب اهم مأمور به نیست، زیرا قدرت شرعی نسبت به آن وجود ندارد؛ اما نیم ساعت بعد یا مدتی دیگر که مزاحمتی با ازاله وجود ندارد آن فرد از نماز نیز مقدور مکلف است. پس کأنه افراد دیگر نماز امر دارند وقتی این شخص نماز را می خواند یک انطباق قهری پیدا می شود. یعنی کانه آن طبیعت خود بخود منطبق می شود بر این فرد محقق شده از آن طبیعت.

محقق نایینی می گوید: درست است نمازی که این شخص خوانده مأمور به نیست و این فرد مزاحم، مأمور به نیست. ولی باید به یک نکته توجه کرد که امر به طبیعت نماز تعلق می گیرد. وقتی فردی از آن طبیعت مقدور نبود و مأمور به نبود معنایش این نیست که دیگر این فرد از افراد آن طبیعت نیست. نمازی که مکلف خوانده بالاخره از نظر عقل مصداق آن طبیعت شمرده می شود. زیرا به طور کلی امر در همه عبادات به صرف الطبیعه تعلق می گیرد. بالاخره این نماز مصداقی از آن نماز خواسته شده مولا است. لذا وقتی این نماز خوانده می شود عقل آن را امتثال امر به طبیعت به حساب می آورد.

تفاوت تقریب محقق خراسانی و محقق نایینی

در نظر بدوی این سخن همان سخن محقق خراسانی است.

محقق خراسانی می فرماید: فرد به خاطر مزاحمت با ازاله نجاست از مسجد مأمور به نیست. زیرا امرش به خاطر مزاحمت کنار رفته، لذا دیگر مأمور به نیست. اما مصداق طبیعت نماز می باشد و از آن جا که امر، به طبیعت نماز شده است پس این نماز مصداقی است برای امر به طبیعت نماز ظهر و عصر امروز، وقتی این نماز خوانده شد عقل می گوید: این عمل امتثال همان امر مولی است پس

نماز صحیح است. معنای صحت نماز این است که مکلف امر را آن گونه که از او خواسته شده امتثال کند. یعنی مطابقت مآتی به با مأمور به؛ امتثال امر یعنی آن چه که آورده شده مطابق آن چیزی است که از مکلف خواسته شده، امتثال نیز مسقط امر است. به طور کلی محقق خراسانی اینگونه فرض کرده اند که این فرد مزاحم به طور کلی از دایره مأمور به خارج است. تصریح محقق خراسانی این بود که کسی که با وجود امر به ازاله نجاست نماز می خواند، به خاطر مزاحمت با ازاله نمازش امر ندارد. در واقع این فرد مزاحم و نمازی که او خوانده، فرد و مصداق برای طبیعت بما هو مأمور به نیست. اما با این که این فرد مأمور به برای طبیعت نیست ولی مصداق طبیعت که می باشد. نمازی که مکلف خوانده مصداق برای طبیعت نماز مأمور به نیست، اما مصداق برای طبیعت نماز که می باشد و همین، از نظر عقل برای حکم به امتثال کافی است. این فرد مصداق طبیعت بما هی طبیعت است و چون همه چیز را دارد، همان غرضی که مولا از امر به نماز را داشت با اتیان به این عمل تأمین می شود.

اما محقق نایینی می فرماید: نمازی که مکلف موقع ورود به مسجد خوانده، در حالی که مسجد نجس است، مصداق برای طبیعت بما هی مأمور به است. زیرا محقق نایینی می گوید: امر به طور کلی به صرف وجود الطبیعه خورده است. اصلاً امر به نماز ظهر متعلق شده است، یعنی به صرف وجود طبیعت نماز تعلق گرفته است. امر به یک فرد خاص یا مصداق خاصی نیست بلکه امر به طبیعت خورده است. لذا وقتی مکلف این نماز را می خواند، خود این فرد و نمازی که خوانده شده مأمور به نیست، ولی مصداق طبیعت بما هی مأمور به است و به این اعتبار عقل این کار را امتثال محسوب می کند.

تمام فرق سخن محقق خراسانی و محقق نایینی در همین دو جمله است. طبق تقریب محقق خراسانی، این فرد مصداق طبیعت بما هی مأمور به نیست ولی طبق نظر محقق نایینی این فرد مصداق طبیعت بما هی مأمور به است.

محقق خراسانی که می گوید: این مصداق طبیعت بما هی مأمور به نیست، به چه اعتبار این نماز را صحیح می داند؟ به چه اعتبار می گوید عقل این نماز را امتثال محسوب می کند؟ به این اعتبار که این مصداق طبیعت بما هی طبیعت است. بالاخره این مصداق نماز است ولو این که امر ندارد، مصداق نماز که می باشد و چون این نماز همه اغراضی که باعث شده مولا امر به آن کند را تأمین می کند پس امتثال محسوب می شود.

البته هم جای اشکال به تقریب محقق خراسانی می باشد، چنانچه خود ایشان در کفایه به اشکال این مطلب اشاره کرده و هم در آن چه که محقق نایینی بیان کرده اند، جای بحث هست.

نتیجه: حق در ثمره عملیه مسئله ضد

به طور کلی اگر قائل به عدم اقتضاء شدیم که حق نیز همین است و در جای خود نیز ثابت کردیم که امر به شیء مقتضی نهی از ضد نیست، نه ضد عام و نه ضد خاص، دیگر نیازی به این پاسخ ها نداریم و این ثمره سالبه به انتفاء موضوع می شود.

اما بر فرض این که ملتزم به اقتضاء هم شویم، ملاحظه فرمودید که این ثمره منتفی است. زیرا علی کلاً القولین نماز صحیح است. سخن شیخ بهایی مبنی بر این که علی کلاً القولین نماز باطل است نیز از نظر ما مورد قبول نیست؛ ما معتقدیم علی کلاً القولین حتی اگر مسئله اقتضاء را بپذیریم و بگوییم امر به شیء مقتضی نهی از ضد است نماز صحیح است.

نکته‌ای که در این جا اضافه می‌کنیم این است که اگر اقتضاء را قبول کنیم و بگوییم امر به شیء مقتضی نهی از ضد است، سوال می‌کنیم که معنای نهی از ضد چیست؟ مثلاً امر می‌کنند که نجاست را از مسجد ازاله کنید و ما معتقدیم که امر به ازاله مقتضی نهی از ضد خاص ازاله است، یعنی قبول می‌کنیم امر به ازاله نجاست در واقع مقتضی نهی نمازی است که مزاحم با ازاله است. حال سوال این است که معنای نهی از ضد چیست؟

نهی از ضد به معنای طلب ترک الضد است. وقتی شارع می‌گوید: نجاست را از مسجد ازاله کن، یعنی نماز نخوان و مسجد را پاک کن. نهی از نماز یعنی طلب ترک الصلوة؛ یعنی خدا از مکلف می‌خواهد اگر وارد مسجد شد و دید مسجد مبتلا به نجاست است نماز را رها کند و نجاست را از مسجد زایل کند و سپس نمازش را بخواند. پس معنای نهی از ضد، در حقیقت طلب ترک الضد است، یعنی طلب ترک نماز. طلب ترک نماز هم به معنای این است که ترک نماز واجب است، یعنی نماز نخواندن واجب است. حال طبق نظر قائلین به اقتضاء این وجوب ترک ضد یا از راه مقدمیت استفاده می‌شود یا از راه ملازمه. چگونه امر به ازاله نجاست دلالت بر وجوب ترک نماز می‌کند؟ گفتیم برخی معتقدند از طریق مقدمیت استفاده می‌شود و برخی از راه ملازمه که در سال قبل مفصل هر دو طریق را بحث کردیم.

پس یک حکم یجب ترک الصلوه با مقدماتی که بیان شد از ناحیه شارع به مکلف رسیده است.

وجوب ترک نماز هم هیچ منافاتی با محبوبیت نفسی نماز ندارد. زیرا آن چه که نهی به آن متعلق شده خود فعل است. به عبارت دیگر اگر ما اقتضاء را بپذیریم باز هم از دل آن فساد به دست نمی‌آید. زیرا معنای نهی از ضد، طلب التکرک است. یعنی خدا از ما خواسته نماز را ترک کنیم. طلب ترک نماز غیر از زجر از فعل است. خداوند می‌تواند به ما بگوید: نماز را ترک کنید، اما این به معنای این نیست که اگر نماز را خواندید نسبت به این فعل بغض وجود داشته باشد و مبعوض خدا باشد.

در عرف و اوامر عرفیه نیز این گونه است. گاهی ممکن است پدری به پسرش بگوید این کار را ترک کن یا فعلاً این کار را نکن و کار دیگری انجام بده. حال اگر فرزند عصیان کرد و به طلب پدر توجه نکرد، فی نفسه مذموم است؛ ولی آیا معنایش این است که اگر آن کار انجام شد از ناحیه پدر مبعوض است؟

فرض کنید پدری به پسری دو کار را امر می‌کند. در این دو کار یکی مهمتر است لذا می‌گوید اول سراغ آن کار برو و بعد بیا سراغ این کار. اما فرزند به جای کار اول، کار دوم را انجام می‌دهد. هر دو مطلوب است، منتهی یکی اهم بود ولی فرزند سراغ کار دیگر رفت. با این که پدر ترک را طلب کرده بود ولی آیا فعل این کار موجب بغض و ناراحتی پدر می‌شود؟ این کار نیز مطلوب پدر بود، منتهی در دوران امر بین این دو، کار اول مقدم بود. حال اگر فرزندی برود و این کار مهم را انجام بدهد و آن اهم را ترک کند، یعنی این که در این مهم مبعوضیتی است که در صورت اتیان فرزند موجب رنجش پدر می‌شود؟ قطعاً این گونه نیست، اگر رنجشی حاصل شود به خاطر این است که چرا اهم را ترک کرده است.

نتیجه: بر فرض این که نهی ثابت باشد، هیچ منافاتی بین این که نهی به نماز، که به معنای طلب ترک نماز است با این که خود آن عمل مقرب هم باشد وجود ندارد. لذا در هر صورت نهی مقتضی فساد نیست. پس این ثمره به طور کلی از دید ما منتفی است. زیرا: اولاً: بخاطر این که ما قائل به عدم اقتضا هستیم.

ثانیاً: بر فرض قائل بودن به اقتضاء هم علی کلا القولین این عمل صحیح است.

بنابراین برای حل این مشکل نیازی به راه دیگری نداریم.

اما عده‌ای برای حل این مشکل سراغ ترتب رفته اند و از راه ترتب این مشکل را می‌خواهند حل کنند. ما ابتدا این مسئله و راه حل را ذکر می‌کنیم، سپس مسئله ترتب را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»